

## بایستگی و بایسته‌های تولید علوم انسانی اسلامی

مهدی شریعتی تبار<sup>۱</sup>

تولید علم چه به معنای افزایش دادن اطلاعات و آگاهی‌های مربوط به علوم موجود و چه به معنای تأسیس و ایجاد علم و دانش جدید و بی‌سابقه در تاریخ علوم بشری، از منظر تعالیم اسلامی و نیز از نظر عقل، از اهمیت، ارزش و بلکه لزوم و بایستگی برخوردار است.

قرآن کریم برخورداری از علم و دانش و نیل به تکامل علمی و معرفتی را هدف نهایی آفرینش انسان معرفی کرده است: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِيَتَلَمَّسُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق / ۱۲)؛ خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن‌ها هفت زمین را آفرید. فرمان او در میان آن‌ها پیوسته فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیز تواناست و اینکه بر همه چیز احاطه علمی دارد.

براین اساس، دانشمندان و تولیدگران علم (البته علم مفید و همراه با عمل) تحقق بخش هدف آفرینش اند.

رسول خدا ﷺ در فضای آکنده از جهالت و نادانی جامعه عرب به رسالت برانگیخته شدند و تحصیل علم را بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی بر مسلمانان

۱- مدیر عامل بنیاد پژوهشهای اسلامی.

واجب قرار دادند. البته تحصیل برخی علوم از نظر اسلام، واجب عینی است و برخی دانش‌ها به صورت واجب کفایی باید فراگرفته شود و آن علومی است که جامعه اسلامی در زندگی اجتماعی و شئون مختلف آن و برای پیشرفت و توسعه و حرکت به سوی سعادت و استقلال و تأمین نیازهای مادی و معنوی خود به آن نیاز دارد.

در فرهنگ اسلامی و دینی ما که از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام به دست می‌آید، علم و عالم از ارزش و جایگاهی بلند برخوردار است.

امام علی علیه‌السلام در سخن معروف خود به کمیل بن زیاد فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)؛ این دل‌های انسان‌ها ظرف است [برای معرفت و درک حقایق] و بهترین آن‌ها، با ظرفیت‌ترین آن‌هاست.

سپس فرمودند: مردم سه دسته‌اند: یک، عالم ربّانی. دو، متعلّم و دانشجویی که در جهت نجات خود و جامعه به علم‌آموزی می‌پردازد. دسته سوم که نه عالم است و نه متعلّم، موجوداتی بی‌ارزش‌اند مانند حشرات، که با هر نسیمی به حرکت درآمده، از نور علم بی‌بهره‌اند و به تکیه‌گاهی مطمئن تکیه نکرده‌اند.

در ادامه، امام به تفصیل درباره برتری علم و دانش برای یک انسان و جامعه نسبت به مال و ثروت مادی سخن گفته، در ضمن آن می‌فرماید: صاحبان ثروت در معرض نابودی هستند، ولی اندیشمندان و عالمان زنده و جاودانه‌اند.

انسان به حکم فطرت خود نیز از گرایش نیرومند نسبت به کسب علم و کشف حقایق جهان برخوردار است که از آن به فطرت حقیقت‌جو و غریزه استطلاع تعبیر می‌شود. این گرایش در قالب دعای قرآنی ﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ (طه / ۱۱۴) و نیز در دعای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «رَبِّ أَرِنِي الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ» (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲/۲۶۱)؛ پروردگار من، حقیقت اشیاء را به من بنمایان، ظهور و بروز یافته است.

فطرت حقیقت‌جوی آدمی آن‌چنان نیرومند عمل می‌کند که گاهی خواب و خوراک و غریزه قوه جنسی را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

در حالات خواجه نصیرالدین طوسی گفته شده آن‌گاه که پس از سپری شدن ساعاتی

از شب و نیمه شب به کشف یک حقیقت علمی نایل می شد، از سرابتهاج و سرور فریاد می زد: «أَيْنَ الْمُلُوكِ وَأَيْنَاءُ الْمُلُوكِ مِنْ هَذِهِ اللَّذَّةِ»؛ شاهان و شاهزادگان کجایند تا این شادی و لذت مرا دریابند؟!

پیشرفت سریع علم و دانش در تاریخ و تمدن اسلامی و ظهور مراکز علمی و پژوهشی در جهان اسلام و پیدایش دانشمندان بزرگی همچون شیخ الرئیس بوعلی سینا، ابونصر فارابی، خواجه نصیر طوسی، شیخ طوسی، علامه حلّی، ملاصدرای شیرازی، فخر رازی و امام محمد غزالی، که به حق می توان نام معلّم بر آنان اطلاق کرد و صدها و هزاران دانشمند در موضوعات مختلف علمی، اعم از علوم انسانی اسلامی و طبیعی و تجربی و ریاضی و فلسفی، دستاورد این گرایش فطری و اهتمام اسلام - که دین فطرت است - به علم و دانش بوده است.

عالم بزرگوار آیه الله سیدحسن صدر در کتاب گران سنگ تأسیس الشیعه ثابت کرده است که امامان شیعه و شاگردانشان پایه گذار بسیاری از علوم مهم و پایه در تاریخ اسلام بوده اند. آری، در شرایطی که جهان غرب در آتش جهالت و خرافات کلیسای قرون وسطی می سوخت و سازمان انگیزسیون ارباب کلیسا، دانشمندان را به جرم کشفیات علمی مغایر با آموزه های تحریف شده انجیل محاکمه و مجازات می کرد، اسلام این دانشمندان بزرگ و اندیشه ورز را با آثار علمی و پژوهشی عمیق تربیت کرده و به تاریخ علم بشری تحویل داده است.

با توجه به آنچه به اختصار گفته شد، بایستگی تولید علم آشکار می شود. البته این ضرورت در حوزه علوم انسانی از اهمیت و لزوم بیشتری برخوردار است؛ چرا که موضوع علوم انسانی، مانند روان شناسی، مدیریت، جامعه شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، انسان در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است و شرافت این علوم از شرافت موضوع آن - که انسان است - سرچشمه می گیرد؛ ضمن اینکه هدف نهایی این علوم نیز مدیریت صحیح زندگی انسان و تعالی و سعادت واقعی اوست. بر این اساس، اندیشمندان مهم ترین معیارهای ارزشمند علوم را موضوع، هدف و میزان استحکام و

اتقان گزاره‌های علمی آن می‌دانند.

متأسفانه امروزه بخش مهمی از علوم انسانی پیش‌گفته در مراکز علمی ما برگرفته از پژوهش‌ها و آثار علمی دانشمندان غربی و غیرمسلمان است و ما در این زمینه مصرف‌کننده‌ایم و این برای مسلمانان پسندیده نیست. گرچه حکمت و سخن حق و درست، گمشده مؤمن است که هر جا بیابد آن را فرامی‌گیرد، که در حدیث آمده: «الحکمة ضالة المؤمن حیث وجدها أخذها» (نوری، ۱۴۰۸/۱: ۲۰۴). ولی باید توجه کرد که دانشمندان غربی، علوم انسانی و تحقیقات خود را در این زمینه بر چه پایه و اساسی بنا کرده‌اند. بی‌گمان در جهان غرب، ایده‌ها و افکار و آرائی مانند اومانیسیم، سکولاریسم، پلورالیسم و لیبرالیسم ظهور کرده و خاستگاه علوم انسانی، همین افکار و نظریه‌هاست. حال پرسش اساسی این است که آیا قرآن کریم و سنت رسول خدا ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام و سخنان عالمان برجسته تاریخ اسلام متضمن اصول و مبانی و نیز فروع و نتایج علوم انسانی نیستند؟

بی‌تردید پاسخ مثبت است. قرآن کریم با قاطعیت می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (اسراء / ۹)؛ قطعاً این قرآن [جامعه بشری را] به استوارترین روش‌ها [در همه شئون زندگی] هدایت می‌کند.

امام باقر علیهما السلام در سخنی به دو نفر از شخصیت‌های علمی زمان خود، سلمة بن کُهیل و حکم بن عتیبه می‌فرماید: «شَرِّقَا وَغَرِّبَا، لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲/۲)؛ به شرق و غرب عالم بروید، هرگز دانش درستی جز آنچه از نزد ما صادر شده، نخواهید یافت.

بایسته است دانشمندان دو مرکز علمی حوزه و دانشگاه با تعامل علمی و تبادل اندیشه، به کشف این آموزه‌های حیات‌بخش قرآنی و معارف نورانی اهل بیت علیهم‌السلام پردازند و زمینه شکوفایی و تولید علوم انسانی اسلامی را فراهم آورند.

### بایسته‌های تولید علوم انسانی اسلامی

تولید هر علمی، از جمله علوم انسانی اسلامی نیازمند برخورداری دست‌اندرکاران آن

از ویژگی‌ها و الزاماتی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

## ۱- داشتن انگیزه کافی و احساس مسئولیت

تولید علم کاری دشوار است و همتی بالا و تلاشی گسترده می‌طلبد. انسان در فطرت خود حقیقت‌گراست و اسلام بر طلب و تحصیل علم تأکید می‌کند، ولی کسب علم آن هم در سطح تولید دانش و تکامل بخشیدن به آنچه پیشینیان با مجاهدت‌های علمی خود عرضه کرده‌اند، به تحمل سختی‌ها و جهاد علمی نیاز دارد. این مهم، همت بالا و تلاش مضاعف می‌خواهد و این خود وابسته به انگیزه و احساس مسئولیت است.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلْبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجِجِ وَخَوْضِ اللَّجْجِ» (کلینی، ۱۴۰۷/۱: ۳۵)؛ اگر مردمان ارزش علم را می‌دانستند، آن را طلب می‌کردند، اگر چه با تقدیم خونشان و فرورفتن در گرداب‌های مرگبار باشد.

این سخن بلند امام علیه السلام، هم به دشواری طلب علم و هم به ارزش والای آن اشاره دارد.

## ۲- آزادی تفکر و اندیشه

از دیگر بایسته‌های تولید علم به ویژه علوم انسانی اسلامی، برخورداری از آزادی تفکر است که مورد تأیید اسلام می‌باشد. اسلام آزادی اندیشه را به رسمیت می‌شناسد و آن را از هدف‌های مهم پیامبران الهی برمی‌شمارد.

قرآن کریم می‌فرماید: پیامبر اسلام آمده تا غل و زنجیر خرافات و تعصبات و حاکمیت‌های استبدادی را از دست و بال اندیشه آدمیان بگسلد: ﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ (اعراف / ۱۵۷).

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه نخست نهج البلاغه در تبیین اهداف پیامبران می‌فرماید: «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛ پیامبران آمده‌اند تا گنجینه‌های خرد آدمی را شکوفا سازند و عقل‌های دفن شده در زیر آوار جهالت و تعصب را از اسارت رهایی بخشند.

اندیشه به زنجیر کشیده شده توسط تعصب، خرافه‌گرایی، هوس‌های نفسانی و حکومت‌های استبدادی، مجال شکوفایی نمی‌یابد و هیچ‌گاه در تولید علم و دانش و پیشرفت علمی، به توفیقی نائل نخواهد شد.

### ۳- نقد علم و تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی

از دیگر الزامات تولید علم که از لوازم آزادی اندیشه نیز به‌شمار می‌آید، نقد علمی و سازنده و نقدپذیری است. در فضای نقد و انتقاد عالمانه و منصفانه و به دور از تعصب است که تضارب آراء و اندیشه‌ها محقق شده، زمینه باروری و شکوفایی افکار پدید می‌آید.

آموزه‌های اسلامی بر نقد منصفانه و برخورد اندیشه‌ها تأکید می‌کند؛ چنان‌که نمونه‌های فراوانی از این تعامل پسندیده علمی و عملی را در تاریخ اسلام، چه در سیره پیامبر و امامان و چه در روش علمی دانشمندان اسلامی مشاهده می‌کنیم. عنوان «النصيحة لائمة المسلمين» که در روایات آمده، نقد عالمانه و منصفانه حتی در سطح رهبری جامعه را تأیید کرده، بایسته می‌داند. امام علی عليه السلام با آن دانش گسترده و عصمت الهی خود می‌فرماید: «لا تظنوا بی استثقلاً فی حق قیل لی... فلا تکفوا عن مقالة بحقّی أو مشورة بعدل، فإتی لست فی نفسی بفقیر أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلی إلا أن یکفی الله من نفسی ما هو أملك به منی» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ گمان مبرید که پذیرش حقی که به من گفته شود برایم سنگین است... از من سخن حق و مشورت عادلانه را دریغ مدارید؛ زیرا من از نظر شخص خودم [بدون عنایت و تأیید الهی] برتر از آن نیستم که خطا کنم و خود را در عمل از اشتباه در امان نمی‌بینم، مگر آنکه خداوند با کمک و تأیید خود مرا کفایت کند.

### ۴- برخورداری از علوم مقدماتی و پایه

فراگیری هر علمی و تلاش در راستای توسعه و گسترش آن و نیز تولید علم، به فراگیری مبادی و مقدمات آن علم نیاز دارد. به تعبیر دانشمندان، طفره در علم، امری ناممکن و



کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر تقوا داشته باشید، خداوند به شما فرقان (دانش و بصیرتی که حق را از باطل تمیز دهد) عطا خواهد کرد.

متقابلاً عواملی از قبیل تعصبات جاهلانه و تقلید کورکورانه، هوا و هوس، دوستی و دشمنی افراطی، از موانع شکوفایی علمی و معرفتی به شمار آمده‌اند.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۵/۷۴).

امام علی عليه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعشى بَصْرَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)؛ کسی که عشق و محبت افراطی به چیزی داشته باشد، چشمش از دیدن حقایق مربوط به آن نابینا می‌شود.

و شاعر عرب می‌سراید:

انارة العقل مكسوف بطوع هوى      و عقل عاصى الهوى يزداد تنويرا

چراغ و روشنائی عقل بر اثر پیروی از هوس دچار کسوف (و گرفتگی) شده، ولی عقل مخالف هوس، بر نورانیتش افزوده می‌گردد.

حقیقت‌سرایی است آراسته      هوا و هوس گرد برخاسته

نبینی که آنجا که برخاست گرد      نبیند بصر گرچه بیناست مرد

آنچه بیان شد، مختصری در بایسته‌های تولید علوم انسانی اسلامی بود که از آیات و روایات استفاده می‌شود و شرح آن در مقالی دیگر باید گفته شود.

## منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. شریف مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، به اهتمام سید مهدی رجائی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۰۵ ق.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل‌البیت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.